

متدولوژی پژوهش کیفی

حسن خداوردی *

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۸/۱۲

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۹/۲

چکیده: منظور از پژوهش کیفی عبارت است از هر نوع تحقیقی که یافته‌هایی را به دست می‌دهد که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های کمی کسب شده‌اند. بعضی داده‌ها ممکن است به شیوه آماری کمی شده باشند، اما تجزیه و تحلیل به شکل کیفی باشد. این روش پژوهش اغلب از تبیین استقرایی بهره می‌جوید. روش پژوهش کیفی، اغلب به روش‌هایی گفته می‌شود که به منظور به دست آوردن داده‌های ذهنی به کار می‌رود. در مجموع پژوهش کیفی به سوی درک دنیای طبیعی گرایش پیدا می‌کند و ماهیت آن کاملاً تفسیری است. مقصود آن تأکید رابطه علی از طریق ابطال فرضیه مبتنی بر نبودن رابطه نیست؛ برعکس پژوهش کیفی تفسیرهای چند وجهی تجربه آدمی و رابطه تکرار شونده درون نظام‌های اجتماعی و فرهنگی را تشخیص می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: پژوهش کمی، پژوهش کیفی، متدولوژی.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آشتیان.

مقدمه

ریشه پژوهش کیفی به انواع پژوهش‌های میدانی باز می‌گردد که توسط مردم‌شناسان و از طریق مشاهده روزمره زندگی آزمودنی‌ها انجام می‌شد. پژوهش کیفی از دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ ملاک ثابت جامعه‌شناسان برای طرح‌های تحقیقاتی انجام گرفت. اما در میان سایر پژوهشگران علوم انسانی زیاد مقبولیت پیدا نکرد. زیرا در پی انقلاب رفتارگرایی دهه ۱۹۶۰ پژوهشگران اساساً به روش‌های تجربی که توسط دانشمندان علوم طبیعی و به منظور یافتن روابط علی پدیده‌ها به کار می‌رفت علاقه بیشتری نشان می‌دادند. اما در پی انقلاب فرا رفتارگرایی دهه ۱۹۷۰، پژوهش کیفی در طی سه دهه اخیر قرن بیستم، در کشورهای غربی از رونق ویژه‌ای برخوردار بوده است. در سال‌های اخیر، در کشور ما نیز برخی از پژوهش‌گران رشته‌های مختلف از جمله علوم اجتماعی، روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم سیاسی توجه ویژه‌ای به این روش مبذول داشته‌اند. کتاب‌ها و مقاله‌هایی که اخیراً در معرفی شیوه بهره‌گیری از این روش به فارسی منتشر شده، مویذ این توجه است.

در حال حاضر روش پژوهش کیفی در پژوهش‌های علوم انسانی، در مقایسه با روش‌های دیگر از اهمیت و کارآمدی بیشتری برخوردار است. روش پژوهش کیفی می‌تواند برآیند نتایج پژوهش با روش‌های مختلف باشد. پژوهش کیفی از اطلاعات و داده‌های پژوهش‌های تاریخی، توصیفی و تجربی سود می‌برد. تحقیق کیفی و اساساً روش‌شناسی کیفی عموماً خصلتی بین رشته‌ای دارد و مرزهای رشته‌ای، حوزه‌ای موضوعی را در می‌نوردد. تحقیق کیفی در برگیرنده مجموعه‌ای پیچیده و متصل به یکدیگر از اصطلاحات، مفاهیم و مفروضات است. پژوهش‌گران کیفیت‌گرا سعی دارند به درک اوضاع و احوال فرآیندهای اجتماعی نایل آیند.

بسیاری از مردم، به‌ویژه محققین مبتدی، فکر می‌کنند که این روش آسان‌تر از روش کمی است. بخصوص این که روش کیفی نیاز به یادآوری فرمول ریاضی و آمارهای پیچیده ندارد. اما در واقع این صحیح نیست. تحقیقات کیفی می‌تواند واقعاً دشوار باشد زیرا مستلزم شرح موضوع‌های پیچیده‌ای است. روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در روش‌های کیفی طولانی‌تر است. و محققین باید مهارت‌های تحلیلی خود را توسعه داده و در بطن

بررسی خود به کار گیرند. بر همین اساس هدف نوشتار حاضر، شناسایی یا به عبارت واقع‌بینانه‌تر، کمک به شناسایی مفهوم، ریشه‌ها، ماهیت و دلایل کاربرد پژوهش کیفی است. در همین راستا نوشتار به ترتیب ذیل سازماندهی شده است:

تعریف پژوهش کیفی، تاریخ تکامل پژوهش کیفی، هدف از اجرای پژوهش کیفی، انواع روش‌های پژوهش کیفی، مقایسه روش پژوهش کیفی و کمی، ارزیابی پژوهش کیفی و نتیجه‌گیری.

۱- پژوهش کیفی چیست؟

تعریف پژوهش کیفی کار آسانی نیست و این نکته را زمانی می‌توانیم عمیقاً دریابیم که درباره این نوع پژوهش، به دانش کافی دست یافته باشیم. بنا به تعریف پاول "در صورتی که زمینه‌ای خاص در پژوهش تا آن حد شناخته شده باشد، امکان الگوسازی مقدماتی، تنظیم فرضیه یا حتی ارائه نظریه در خصوص آن وجود داشته باشد، می‌توان از رویکرد اثبات‌گرایی (پوزیتیویستی) و روش کمیّت‌پذیر آن استفاده کرد. اما اگر اطلاعات موجود در یک زمینه خاص چنان اندک باشد که حتی تشخیص این که نادانسته‌ها کدامند خود مسئله‌ساز باشد، باید از رویکرد طبیعت‌گرایانه و روش‌های کیفی بهره جست" (پاول، ۱۳۷۹: ۲۱۱).

در این جا بیان پاول، بیش از آن که تعریف پژوهش کیفی باشد، توضیحی کلی درباره زمینه و شرایط استفاده از پژوهش کیفی است و عبارت "رویکرد طبیعت‌گرایانه و روش‌های کیفی‌تر از آن" ما را در ابهام باقی می‌گذارد. در حالی که تعریف نلسون و نویسندگان همکارش روشن‌گرتر است. به نظر ایشان، پژوهش کیفی خود یک حوزه دانش و پژوهش میان‌رشته‌ای، فرارشته‌ای و گاه ضدرشته‌ای است که می‌توان آن را در انواع رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی - علوم سیاسی و روابط بین‌الملل - و حتی برخی از علوم طبیعی به کار برد. این فرآیند از ناحیه بسیاری از پارادیم‌ها، دیدگاه‌ها و جریان‌های معرفت‌شناسی تغذیه و تقویت می‌شود، انواع روش‌ها و فنون و ابزارهای پژوهش را به کار می‌گیرد و هدف آن بیشتر درک و فهم پدیده است تا پیش‌بینی وضعیت‌ها. در واقع

پژوهش کیفی همزمان دو تنش عمده را در خود می‌پروراند و واجد تناقض است: از یک سو در تلاش است تا تجارت انسانی را با مفاهیم دقیق پوزیتیویستی، پساپوزیتیویستی، انسان‌مدارانه و طبیعت‌گرایانه تحلیل کند و از سوی دیگر به دلیل تأثیرپذیری از جریان‌های هرمونتیکی، پساتجربی، پسامدرن و فمینیستی، ناگزیر از نگاه و تحلیل انتقادی به همه چیز - از جمله مبانی انسان‌مدارانه و طبیعت‌گرایانه - است. بنابراین قائل به دیدگاه‌های نه چندان هم‌سو و بلکه غیر هم‌سو پسامدرن و طبیعت‌گرایانه و یا چشم‌اندازهای انتقادی و انسان‌مدارانه است (رها دوست، ۱۳۸۳: ۲۴۹).

نویسندگان چون گال، بورگ و گال^۲ پژوهش کیفی را به عنوان نوعی بررسی تعریف می‌کنند که "زمینه آن این مفروضه است که افراد، حقیقت اجتماعی را به صورت معانی و تفسیرها می‌سازند، و این ساخته‌ها هم تابع شرایط و موقعیت و هم انتقالی است. روش‌شناسی مسلط آن کشف معانی و تفسیرهای فشرده در محیط‌هایی طبیعی به گونه‌ای است که موضوع آن داده‌های حاصل از استقرا تحلیل باشد" (هومن، ۱۳۸۵: ۱۴).

علی دلاور معتقد است: "پژوهش کیفی عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی (همچون مشاهده، مصاحبه، شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی) که هر کدام به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست اول درباره موضوع مورد تحقیق یاری می‌دهند. بدین ترتیب، از اطلاعات جمع‌آوری شده، توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده حاصل می‌شود. در روش مورد بحث دسترسی به اطلاعات یعنی زندگی کردن با مردم مورد پژوهش یادگیری فرهنگ آن‌ها - از جمله مبانی ارزشی، عقیدتی و رفتاری - زبان و تلاش برای درک احساسی، انگیزش‌ها و هیجان‌های آن‌ها. محقق کیفی، رفتار اجتماعی را به این دلیل ادراک می‌کند که خود را به جای دیگران قرار می‌دهد (دلاور، ۱۳۷۴: ۲۵۵).

گذشته از تعاریف متفاوت و گوناگون فوق‌الذکر که هر یک از جنبه‌ای خاص پژوهش کیفی را تعریف می‌نماید، شاید به‌طور کلی بتوان گفت که پژوهش کیفی توصیف واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه افراد است نه از دیدگاه مشاهده‌کننده، به عبارت دیگر پژوهش‌گر کیفی به مطالعه رفتارهای قابل مشاهده، انگیزه‌ها، احساسات و هیجان‌های

مردمی می‌پردازد، زیرا معتقد است که حوادث درونی تنها در صورتی قابل درک هستند که از طریق تجربه شخصی کسب شده باشند. به همین دلیل روش‌های کیفی متنوع هستند. پژوهش کیفی بیشتر در علوم اجتماعی و انسانی - مثل مردم‌شناسی، علوم تربیتی، علوم ارتباطی، روان‌شناسی، تاریخ، باستان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روابط بین‌المللی، مدیریت - کتابداری و اطلاع‌رسانی - و برخی از شاخه‌های علوم طبیعی - مثل مطالعات بالینی و پرستاری - به کار می‌رود و معمولاً پژوهشی ترکیبی است. یعنی از مجموعه‌ای روش‌ها، فنون و ابزارها مثل مطالعه موردی، تجربه شخصی، درون‌نگری، شرح حال، روایت، مشاهده مشارکتی، مشاهده متون تاریخی، متون تعاملی و بصری بهره می‌گیرد و گستره وسیعی از روش‌های تامل و تحلیل‌های تفسیری را می‌پوشاند.

۲- تاریخ تکامل پژوهش کیفی

پژوهش‌های کیفی از زمانی آغاز شدند که نظریه‌پردازان علوم اجتماعی مدرن بررسی فرآیندها و الگوهای جامعه‌شناسی را آغاز کردند. پیش فرض این بررسی‌ها این بود که می‌توان جهان و مردم جهان را به صورت عینی مشاهده و مطالعه کرد. دنزین و لینکلن^۳ برای تکامل پژوهش کیفی به هفت مرحله اشاره کرده‌اند که بعضاً با هم هم‌پوشانی دارند و به ترتیب ذیل می‌باشد: (هومن ۱۳۸۵: ۱۴-۱۸)

۲-۱- دوره سنتی^۴

این دوره در اوایل سال‌های ۱۹۰۰ شروع شد و تا دهه ۱۹۴۰ ادامه یافت. (اگرچه مانند همه مراحل دیگر هنوز ادامه دارد و بسیاری از طرفداران آن حتی در زمان حاضر نیز از آن پشتیبانی می‌کنند). در طول این دوره، پژوهش کیفی به دیگران، یعنی افراد خارجی، و کمابیش به توصیف عینی و تفسیر آن علاقمند بوده است. مسئله مهم، فرهنگ‌های خارجی در قوم‌نگاری، و افراد بیرونی در درون جامعه بوده و بیشتر مطالعاتی که در این عصر اجرا شده نوع به بررسی چارچوب مردم‌شناسی افراد قبیله‌ای محدود بوده است. مؤلفان در این دوره اعتقاد داشته‌اند از طریق به کار بردن روش‌های بررسی خود می‌توانند به یک حقیقت

عینی و قابل تأیید دست یابند. چیزی که در این مکتب سنتی (پژوهش کیفی) مهم بوده، توان و اقتدار شخص پژوهش‌گر در بررسی و ارائه موضوع پژوهش است.

۲-۲- مرحله نوگرایی^۵

مرحله دوم که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم شروع و تا دهه ۱۹۷۰ کشیده شده با تلاش‌های برای به رسمیت بخشیدن پژوهش کیفی همراه بوده است. مضمون‌ها و روش‌هایی که در این مرحله معرفی گردید هنوز ادامه دارد و بسیاری از کارهای جاری را زیر نفوذ قرار داده است. این مرحله با رشد و توسعه و گسترش روش‌شناسی پژوهش کیفی (چگونه باید پژوهش را انجام داد)، از طریق انتشار کتاب‌های روش‌شناسی استاندارد، طرح فئونی برای اجرای تئوری وابسته به زمینه، مطالعات پدیده‌شناسی مشخص می‌شود. یکی از هدف‌های عمده پژوهش‌گران در این دوره کمک به پیش بردن این توسعه‌ها، اشتیاق و تمایل برای اثبات این مطلب بوده است که پژوهش کیفی می‌تواند همانند پژوهش‌های کمی دارای اعتبار^۶ و روایی^۷ و دقت باشد. دنزین و لینکلن این دوره را به عنوان "عصر طلایی پژوهش کیفی" توصیف کرده‌اند.

۲-۳- دوره شروع انواع تیرگی‌ها^۸

با آغاز مرحله سوم (۱۹۸۶-۱۹۷۰)، پژوهش‌گرانی که در این زمان کار می‌کردند، فهرست‌های وسیعی از انگاره‌ها، روش‌ها، فنون و راهبردها را در دست داشتند. مدل‌های نظری گوناگون و ادراک‌های مختلفی از چیزها و روش‌ها پهلو به پهلو هم قرار گرفت که پژوهش‌گران می‌توانند از میان آن‌ها انتخاب و آنها را در برابر یکدیگر قرار داده یا با هم ترکیب کنند. برخی از این انگاره‌ها عبارت است از: تعامل‌گرایی نمادین، روش‌شناسی قومی، پدیده‌شناسی، و نشانه‌شناسی. گیرتز^۹ با تولید یک سری از اصطلاحات تفسیری بسیار قوی از فرهنگ‌ها، تمایز بین علوم انسانی و علوم اجتماعی را در هاله ابهام فرو برده او بر این باور بود که هم علوم انسانی و هم علوم اجتماعی می‌توانند با متن‌های تفسیری تأویلی سر و کار داشته باشند، و صدای پژوهش‌گر نیز می‌تواند در گزارش پژوهش ظاهر شود. انتشار تعداد رو به افزایش مجله‌های کیفی تخصصی نیز این امر را ساده‌تر ساخت تا پژوهش‌گران اجازه یابند از اثبات‌گرایی رویگردان شوند و از معرفت‌شناسی^{۱۰} "سازه‌گرا"^{۱۱}

که به هیچ شکل یا تصویر واحد، یا سنت پژوهش امتیاز نمی‌دهد به گونه‌ای آشکار پشتیبانی کنند.

۲-۴- بحران معرفی و نمایش

این دوره را که از اواسط سال‌های ۱۹۸۰ شروع شد، می‌توان آغازی برای آشکار شدن پیامدهای انواع تیرگی‌ها و ابهام‌های دوره قبل دانست، یعنی فرآیندی که ناگزیر به نوعی انکار روش شناختی منجر شد. بحران بازنمایی و معرفی، که تا آن موقع در هوش مصنوعی مورد بحث قرار می‌گرفت، به‌ویژه با نقش قوم‌نگاری به عنوان یک کل بر پژوهش کیفی اثر می‌گذارد. این مطلب موجب می‌شود فرآیند نمایش دانش و یافته‌ها به عنوان بخش اساسی پژوهش کیفی تلقی، و در نتیجه توجه بیشتری به آن معطوف شود. پژوهش کیفی تبدیل به فرآیندی مداوم برای تهیه نسخه‌هایی از حقیقت می‌شود. نسخه‌ای که شخص با انجام مصاحبه تهیه می‌کند با رویدادی که درباره آن گزارش داده شده است، لزوماً یکسان نیست، و با نسخه‌ای که برای پژوهشگران مختلف و پرسش‌های گوناگون تهیه کرده است لزوماً مطابقت ندارد. پژوهش‌گری که این مصاحبه را تفسیر و به عنوان بخشی از یافته‌های خود معرفی می‌کند، نسخه جدیدی از کل را تولید می‌کند.

۲-۵- دوره پنجم

به گفته دنزین و لینکلن در این دوره روایت‌ها جانشین تئوری‌ها، و شاید تئوری‌ها به عنوان روایت‌ها تلقی می‌شود. این دوره از طریق رویکردی، عملگراتر، سیاسی‌تر و کثرت‌گراتر برای پژوهش کیفی مشخص می‌شود. اما باید توجه داشت که طبقه‌بندی آن‌چه در زمان حال روی می‌دهد همواره کار بسیار دشواری است، به‌ویژه اگر خود شخصی بازیگر صحنه باشد. به همین دلیل، طرح دنزین و لینکلن و مراحل پیشنهادی آن‌ها در زمان حال روی می‌دهد همواره کار بسیار دشواری است، به‌ویژه اگر خود شخص بازیگر صحنه باشد. به همین دلیل، این طرح دنزین و لینکلن و مراحل پیشنهادی آن‌ها باید به عنوان روشی اکتشافی و نه واقعیتی همیشگی در نظر گرفته شود. دلیل مهم این مطلب آن است که نامبردگان، دوره ششم به نام نسبیّت‌گرایی و پسانوگرایی پیشنهاد کرده و گفته خود را در جهت تئوری‌ها و روایت‌هایی که با مسایل و موقعیت‌های خاص، محدود، موضعی و

تاریخی مطابقت دارد تغییر داده‌اند. بنابراین دوره ششم که با نوشتارهای بعد از تجربه مشخص می‌شود وسایل پژوهش کیفی را با سیاست‌ها و خط‌مشی‌های آزادمنشانه مرتبط می‌سازد. دوره هفتم تکامل پژوهش کیفی نیز به گفته خود آن‌ها آینده پژوهش کیفی را ترسیم خواهد کرد.

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان از همه این تحولات تاریخ تکاملی روش پژوهش کیفی نتیجه‌گیری کرد که: یک. هنوز پژوهش‌های کیفی مربوط به دوره‌های نخستین به کار می‌روند. دو. گزینش بین این همه نظریه، روش، راهکار و پارادایم که گاه به هم هم‌پوشانی نیز دارند کار آسانی نیست. سه. در حال کشف تازه‌ها هستند و بحث، مناظره گفتگو و تفسیر هم‌چنان جریان دارد. چهار. پژوهش فرآیندی چند فرهنگی شده و دیگر نمی‌توان از دیدگاهی ثابت و عینی و پوزیتیویستی به آن نگریست. در صورت پذیرش چنین نتیجه‌گیری‌ای حال باید به این سؤال پاسخ داد که هدف از اجرای پژوهش کیفی چیست؟

۳- هدف از اجرای پژوهش کیفی؟

پاسخ به این سؤال آشکار است. بطور کلی هدف هر پژوهش، افزایش دانش و توانمند ساختن ما برای دانستن هر چه بیشتر است. اما مقصود از "دانش" و "دانستن" چیست؟ به منظور اجرای پژوهش کیفی، این مطلب مهم است که درباره انواع دانشی که این رویکرد می‌تواند تولید کند، آشنا باشیم. روش‌های کیفی نوع به خصوصی از دانش را درباره جهان تولید می‌کند، که با دانشی که سایر روش‌های بررسی تولید می‌کنند متفاوت است. ماهیت پژوهش کیفی را می‌توان در این جمله خلاصه کرد: "هدف اساسی پژوهش کیفی عبارت است از توسعه فهم و درک این مطلب که جهان چگونه ساخته می‌شود" (Meleod, 2002: 2).

کاربرد و استفاده از روش‌های کیفی با یک موضوع خاص معرفت‌شناسی پیوند خورده است. بنابراین، مباحث مربوط به روش (متد) موجب یک مناظره طولانی میان پوزیتیویست‌ها و نسبی‌گرایان در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های روش‌شناسی میان علوم طبیعی و علوم اجتماعی شده است. پوزیتیویست‌ها و رفتارگرایان اوایل قرن بیستم معتقد

بودند که مطالعه سیاست باید بر پایه مشاهده‌های تجربی و نظریه‌های آزمون‌پذیر قرار گیرد. در نتیجه پوزیتیویست‌ها با عملیاتی کردن و اندازه‌گیری دقیق مفاهیم تئوریک سر و کار داشته‌اند. در این دیدگاه، تأکید زیادی بر تحلیل رفتاری وجود دارد، زیرا رفتار را می‌توان به سادگی تبدیل به مفاهیمی که عملیاتی و مشاهده می‌شوند. پژوهش پیمایشی همراه با رهیافتی استاندارد شده، در مقایسه با مصاحبه کردن بر پایه پرسشنامه و سئوالات مشابه و با ترتیب مشابه پرسیده می‌شود. بیان مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده تعاملی محدود وجود دارد. این محدودیت تعامل، برای پیشگیری از واکنش پاسخ‌دهنده نسبت به هر چیزی که ممکن است مصاحبه‌کننده اضافه بر مصاحبه برنامه‌ریزی شده بگوید و در نتیجه موجب ورود تعصب در مصاحبه شود، می‌باشد. تنها از طریق طرح سئوالات غیر جانب‌دارانه است که می‌توان به واقعیت عینی دست یافت. مصاحبه بسیار ساختاری شده نوعی از ارتباط در شرایط کنترل شده مانند یک موقعیت تجربی است. مصاحبه‌ها را می‌توان به راحتی تکرار کرد و در بازتولید واقعیت‌های مشابه قابل اعتماد می‌باشند. تحلیل آماری پاسخ‌های کدبندی شده منجر به مشاهده نظم‌هایی می‌شود که پایه تبیین، تعمیم و پیش‌گویی را شکل می‌دهند. دل‌نگرانی عمده پژوهش‌گران پیمایشی در رابطه با توانایی پیش‌گویی یافته‌های آماریشان می‌باشد (مارش؛ استوکر، ۱۳۸۴: ۲۲۹-۲۳۰).

معتقدان پوزیتیویسم استدلال کرده‌اند که هیچ‌گونه واقعیت خارجی وجود ندارد و واقعیت تنها یک ساخته اجتماعی است که در آن مردم آگاه، معنایی ذهنی به کنش‌هایشان می‌دهند. و موقعیت خود و دیگران را تفسیر می‌کنند. مردم کارگزارانی غیرفعال نیستند، بلکه فعالانه در ارزیابی کنش‌های خود و دیگران دخالت دارند. آنان دنیا را شکل می‌دهند، همان‌طور که دنیا آنان را شکل می‌دهد. دنیای معانی که دارای ساخت اجتماعی است، سست و دائماً در حال تغییر است. این موضوع هستی‌شناسانه^{۱۲} اشعار می‌دارد که هیچ‌گونه علم عقلانی عینی که بتواند واقعیت‌های فراگیر تأسیس نماید، وجود ندارد. هیچ علمی نمی‌تواند مستقل از عقاید و ارزش‌ها و مفاهیمی که ما برای درک جهان به وجود می‌آوریم، وجود داشته باشد. نظریه‌ها را نمی‌توان به وسیله مشاهده و تجربه مورد آزمون قرار داد هم‌چنین هیچ واقعیت عینی یا حقیقی وجود ندارد که بتوان با آن در مورد

دیدگاه‌های مختلف تئوریک قضاوت کرد، زیرا عقاید و ارزش‌ها بر چنین انتخاب‌هایی تأثیر می‌گذارند.

با توجه به آنچه گذشت، تعدادی از ویژگی‌های ضروری و مورد تأکید دانشمندان مختلف در روش پژوهش کیفی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

یک. نزدیکی محقق: روش‌ها در تحقیق کیفی به این منظور طراحی شوند که محقق را به واقعیت اجتماعی و تعامل اجتماعی، در مقایسه با روش‌های کمی نزدیک سازند. از طریق آن‌ها انتظار می‌رود محقق به بخشی از محیط تحقیق و فعل و انفعال تجربه، ته همان شکل که توسط عضوهای جامعه تحقیق، تجزیه می‌گردد، تبدیل شود.

دو. بازبودن روش‌ها: روش‌ها در تحقیق کیفی به معنی باز تلقی می‌گردند که می‌توانند در زمان به کارگیری و جمع‌آوری اطلاعات تغییر یابند یا دست‌کاری و تنظیم گردند. در تحقیق کمی روش‌ها استاندارد شده و ثابت می‌باشند و هیچ امکانی برای تصحیح و تنظیم آنها وجود ندارد.

سه. قابلیت انعطاف طرح: در تحقیق کیفی طرح تحقیق نیز به مانند روش قابل انعطاف است. یعنی می‌توان آن‌را برای تطبیق با اطلاعات تغییر داد. در تحقیق کمی طرح تحقیق در شروع کار توسعه داده می‌شود و تا پایان تحقیق اجازه هیچ‌گونه تغییر در آن وجود ندارد.

چهار. روش ارتباطی: این ویژگی اشاره دارد به طبیعت تحقیق در مورد مطالعه این‌که، آیا روش‌ها باید از طریق ارتباط و تعامل (روش‌های کیفی) یا از طریق یک اسلوب به طور عینی تعریف شده (روش‌های کمی) به واقعیت دست یابند.

پنج. روش‌های طبیعی: نکته مهم در این‌جا، این است که آیا روش‌ها برای مطالعه تعامل در دنیا و زندگی روزمره طراحی می‌گردند یا خیر؟ آن‌طور که آشکار می‌شود و آن‌طور که از سوی پاسخ‌دهندگان تفسیر می‌گردد. در تحقیق کیفی، واقعیت همان‌طور که از تعامل و ارتباط عضوهای جامعه در وضعیت طبیعی ظاهر می‌گردد مورد مشاهده قرار گیرد.

شش. جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات: در تعدادی از مطالعه‌های کیفی، جمع‌آوری اطلاعات همراهی نزدیکی با تجزیه و تحلیل اطلاعات دارد، یعنی به طور هم‌زمان انجام می‌پذیرد، یعنی یک‌دیگر را موجب گردیده، توسعه می‌بخشد. در این مطالعه‌ها، گام‌های اولیه تجزیه و تحلیل اطلاعات در جریان جمع‌آوری اطلاعات معمول می‌گردد. در تحقیق کمی، تجزیه و تحلیل اطلاعات بعد از پایان فرآیند جمع‌آوری اطلاعات آغاز می‌گردد (سنجایی، ۱۳۸۴: ۲۲۶-۲۲۷).

با توجه به ویژگی‌های فوق‌الذکر شایسته است که انواع روش‌های کیفی از دیدگاه دانشمندان و نظریه‌پردازان این روش مورد بررسی قرار گیرد.

۴- انواع روش‌های کیفی

رویکردهای پژوهشی معمولاً به صورت کمی یا کیفی طبقه‌بندی می‌شود، اما به لحاظ نظری، رویکردهای کیفی از تنوع بیشتری برخوردارند و نوع‌شناسی متفاوتی از آن‌ها ارائه شده است. جدول ذیل گویای این اختلاف نظر در دسته‌بندی سنت‌های تحقیق کیفی است.

جدول شماره ۱- نوع‌شناسی‌های تحقیق کیفی

دنزین، لینکلن ۱۹۹۳	انکینسون، دلامونت و هموزلی ۱۹۸۸	جاکوب ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸
مطالعات موردی	تعامل نمادی	رفتارشناسی انسانی
قوم‌نگاری	انسان‌شناسی	روان‌شناسی محیط‌شناسی
پدیدارشناسی و روش‌شناسی قومی	زبان‌شناسی اجتماعی	قوم‌نگاری کل‌نگر
نظریه میدانی	روش‌شناسی قومی	انسان‌شناسی شناختی
روش شرح حال نگارانه	ارزیابی دموکراتیک	قوم‌نگاری ارتباطات
علوم اجتماعی تاریخی	قوم‌نگاری نومیاری کسب‌کنی	تعامل‌گرایی نمادی
پژوهش مشارکتی	فمینیسم	
تحقیق درمانی		

اقتباس از: (Marshall & Rossman, 1999: 4)

تأملی بر این جدول که توأمأ در برگیرنده پارادایم‌ها و رویکردهای مختلف به تحقیق کیفی است، نشان می‌دهد که براساس ویژگی‌های مشترک، سه نوع اصلی را می‌توان تشخیص داد. در دیدگاهی مثل پدیدارشناسی، فمینیسم و تحلیل گفتار که از صورت‌های جدیدتر و بین رشته‌های تحقیق کیفی اند، تأکید بر "تجربه زیست فردی" است. رویکردهای قوم‌نگاری و جامعه‌شناسی کیفی بر "جامعه و فرهنگ" تأکید دارند و بالاخره در زبان‌شناسی تأکید بر "زمان و ارتباطات" است.

روش‌شناسی کیفی در سال‌های اخیر شاهد تحولات بسیاری بوده است. "محققان پست‌مدرن مفروض‌های تاریخی بی‌طرفی در تحقیق را مورد انتقاد قرار می‌دهند. به نظر آن‌ها همه تحقیق‌ها جنبه تفسیری دارند و دیدگاه‌های محققان نسبت به جهان و نحوه فهم و مطالعه آن‌را هدایت‌کننده تحقیق‌ها می‌دانند (Denzin & Lincoln, 1994: 13).

دنزین و لینکلن مشخصه روش‌های کیفی در دهه ۱۹۹۰ را جایگزین شدن روایت‌ها به جای نظریه‌ها یا تلقی نظریه‌ها به عنوان روایت‌ها به جای نظریه‌ها یا تلقی نظریه‌ها به عنوان روایت‌ها می‌دانند (Denzin & Lincoln, 1994: 6-11) اما در ادامه این روند، از توجه به روایت‌های کلان نظری کاسته می‌شود و در انتخاب و تفسیر مسایل اجتماعی، وجوه محلی و خاص اهمیت می‌یابند.

دیدگاه‌های پست‌مدرن بر این فرض استوارند که دانش خصلتی ذهنی دارد. با این حال جامعه را اساساً دارای خصلتی تضادآمیز و سرکوب‌گر می‌دانند. محققان پست‌مدرن وظیفه محقق و هدف تحقیق را ایجاد تغییرهای بنیادین در ساختار اجتماعی و رهاسازی گروه‌های سرکوب‌شده (عموماً به لحاظ دارا بودن هویت‌های جنسیتی، نژادی و طبقاتی خود) از این ساختارهای اجتماعی سرکوب‌گر می‌دانند. تولمین^{۱۳} رشد‌گرایش‌های انتقادی و پست‌مدرن در تحقیقات اجتماعی و نادیده گرفتن رابطه و واکنش شرکت‌کنندگان نسبت به تحقیق، تعامل ناکافی بین محقق و شرکت‌کنندگان نسبت به تحقیق، تعامل ناکافی بین محقق و شرکت‌کنندگان و نادیده گرفتن چشم‌انداز آن‌ها به جهان اجتماعی باید جهت‌گیری خویش را در چهار زمینه متمرکز کننده:

یک. بازگشت به داده‌های شفاهی که در نظریه‌ها و تحقیق‌های تجربی انجام شده در فلسفه، زبان‌شناسی، ادبیات و ارتباطات خود را نمایان ساخته است.

دو. بازگشت به پرسش‌های خاص که نشانه آن توجه به تنظیم نظریه‌ها و اجرای تحقیق‌های تجربی است که با هدف فاصله‌گیری از پرسش‌های عام انتزاعی و پرداختن و مسایل عینی صورت می‌گیرد.

سه. بازگشت به شرایط و سنت‌های محلی که تجلی آن‌را در ارزیابی مجدد نظام‌های معرفتی و با توجه به سنت‌های محلی و شیوه‌های زندگی که در دل آن قرار دارند، می‌بینیم. اعتبار جهانی نظریه‌ها و روش‌ها، دیگر محور نیست.

چهار. بازگشت به مطالعات زمان‌مند که بر اساس آن‌ها مسایل مورد مطالعه و راه‌حل‌های ارائه شده برای آن در متن زمانی یا تاریخی خود نگریسته و در چنین متنی توصیف می‌شوند (Toulmin, 1990: 190-191).

بدین ترتیب، تحقیق‌های کیفی در سال‌های اخیر با فاصله‌گیری از قالب سنتی خود و در تلاش برای پاسخ‌گویی به انتقادهای نظری، تجربی و اخلاقی به عمل آمده، بیش از پیش رابطه پیچیده هویت، قدرت، پایگاه و تعاملات محقق با شرکت‌کنندگان در تحقیق توجه می‌کنند و به رسالت قدرت دهنده و رهایی‌بخش تحقیق حساسیت بیشتری دارند.

۵- مقایسه روش پژوهش کیفی و کمی

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران اختلاف نظر بین پژوهش کمی اساساً غیر ضروری است. زیرا این دو روش بیش از آن‌چه به نظر می‌رسد به یکدیگر نیاز دارند. اما چون داده‌های کیفی اغلب از واژه‌ها و داده‌های کمی از اعداد تشکیل می‌شود و از سوی دیگر چون پژوهش کیفی معمولاً استقرایی و برای شروع کار مستلزم فرضیه نیست در حالی که پژوهش‌های کمی قیاسی، پیش از آن‌که نیازمند فرضیه است بسیاری از پژوهش‌گران معمولاً پژوهش کمی را برتر و عملی‌تر از پژوهش کیفی می‌دانند (عسگری، ۱۳۸۲: ۲۴).

گرچه بین دو رویکرد کمی و کیفی تفاوت‌های آشکاری وجود دارد، اما برخی پژوهش‌گران معتقدند انتخاب یکی از این دو رویکرد بیشتر از آن‌که بستگی به

روش‌شناسی پژوهش داشته باشد، وابسته به اصول خاص یا سنت‌های پژوهشی است. دشواری انتخاب یک روش پژوهشی ناشی از این واقعیت است که پژوهش‌ها اغلب توسط دانشگاه‌ها یا سایر سازمان‌های آموزشی و تحقیقاتی انجام می‌گیرد و از یافته‌های آن‌ها به منظور تصمیم‌گیری در زمینه خط‌مشی‌های مهم با اقدام‌های خاص اجرایی و عملی استفاده می‌شود. علاوه بر این انتخاب و ترجیح رویکرد، گذشته از این که منعکس‌کننده علایق مجریان و یا کسانی است که از نتایج آن بهره می‌برند. نشان‌گر هدف‌هایی است که طرح پژوهش برای دستیابی به آن‌ها تهیه و تدوین شده است. از سوی دیگر برخی از پژوهش‌گران مانند دنزین و لینکلن معتقدند که روش‌های کیفی و کمی را نمی‌توان با یکدیگر در آمیخت زیرا مفروضه‌های زیربنایی هر یک از آن‌ها با یکدیگر بسیار تفاوت دارد. در حالی که برخی دیگر اعتقاد دارند ترکیب این دو روش از طریق تعیین جایگاه آن‌ها در پژوهش کیفی برای پاسخ به برخی پرسش‌های خاص و در موقعیت‌های معین مناسب است. اما به اعتقاد برخی صاحب‌نظران (اشنايدر، به نقل از بلولند) از هر دو روش می‌توان در پاسخ به یک پرسش پژوهشی به گونه هم‌زمان استفاده کرد.

به‌رغم اختلاف‌نظرهایی که بین پژوهش‌گران وجود دارد، می‌توان گفت هر یک از رویکردهای پژوهشی دارای موانع و مشکلات خاصی است. پژوهش‌های کمی اغلب پژوهش‌گران را وا می‌دارد تا پاسخ و آزمودنی‌ها را در مقوله‌ها یا طبقه‌هایی قرار دهند که ممکن است مناسب آن‌ها نباشد. از سوی دیگر پژوهش‌های کیفی گاهی اوقات بیش از حد بر نتایج فردی تأکید و تمرکز دارد و نمی‌تواند موقعیت‌های گسترده و یا عوامل اجتماعی دیگر را تبیین کند، با آن‌که هر یک از این روش‌ها، توصیف کامل و دقیق پدیده‌ها و افراد است و هیچ تلاشی برای انتساب فراوانی‌ها و ارقام و اعداد به ویژگی‌های مورد مطالعه صورت نمی‌پذیرد. بر همین دلیل پدیده‌ها به ندرت توجه یکسانی را در این‌گونه مطالعات دریافت می‌کنند (عسگری، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

در اصل روش‌های کیفی مقصود مشترکی با روش‌ها کمی دارند. یعنی جمع‌آوری اطلاعاتی که پایه‌ای برای فکر و اقدام بیشتر فراهم خواهد آورد. با این وجود، ساختارهای آن‌ها متفاوت می‌باشند. زیرا در اغلب موارد روش‌های به کار گرفته شده در هر

دو نوع تحقیق مشابه‌اند. ممکن است هر دو نوع تحقیق، برای مثال، از تجزیه و تحلیل محتوی مصاحبه یا مشاهده استفاده نمایند. به هر حال در این موارد ساختار و سرچشمه نظریه‌ای آن‌ها متفاوت می‌باشند (سنجایی، ۱۳۸۴: ۲۲۶).

در مجموع در خصوص تفاوت‌های روش‌های کمی و کیفی می‌توان به موارد ذیل

اشاره کرد:

یک. نخستین تفاوت عمده‌ای که بین این دو روش وجود دارد مفروضه‌های کاملاً متفاوتی است که هر یک از آن‌ها در مورد هدف‌های پژوهش دارد. به اعتقاد برخی کارشناسان (بابی) تحلیل کیفی، نوعی آزمایش غیر عددی و تفسیر مشاهده است که به منظور کشف معنای زیربنایی و غیر الگویی روابط بین افراد، پدیده‌ها و مانند آن به کار گرفته می‌شود، در حالی که پژوهش کمی نمایش عددی و دستکاری مشاهده‌ها به منظور تشریح و تبیین پدیده‌هایی است که این مشاهده منعکس می‌کنند.

دو. مفروضه‌های زیربنایی این دو روش درباره نقش پژوهش‌گر نیز با یکدیگر تفاوت دارد. در پژوهش کمی، پژوهش‌گران بدون آن که در فرآیند مطالعه، مشارکت یا تأثیر داشته باشند، تنها نقش یک مشاهده‌گر عینی را بازی می‌کنند. در حالی که در پژوهش کیفی پژوهش‌گران با مشارکت و درگیر شدن در موقعیت، در حقیقت به مطالعه و در عین حال یادگیری بیشتر می‌پردازند. مفروضه‌های زیربنایی این دو روش به واقع راهنما و تعیین‌کننده انواع شیوه‌های گردآوری داده‌هاست.

سه. فنون پژوهش کیفی شکلی از دانش را در اختیار می‌گذارد که اساساً با آنچه که از طریق فنون پژوهش کمی به دست می‌دهد، متفاوت است. فنون پژوهش کیفی، پاسخ‌های واقعی را برای پژوهش‌گران فراهم می‌آورد زیرا مبتنی بر یادگیری حسی و تعاملی است. یعنی رویکردی که فراسوی چشم‌انداز ابزارهای منطقی و بسیار ساخت‌یافته پژوهش‌های کیفی است و بیشتر با داده‌های پیچیده و عاطفی سر و کار دارد.

چهار. تفاوت دیگری که بین این دو رویکرد وجود دارد تعریف آن‌ها از مشکلات و شیوه کاملاً متفاوتی است که به منظور دست‌یابی به راه‌حل و پاسخ‌ها به پرسش‌های پژوهش به کار می‌رود. چنان که گفته شد، روش‌های کیفی به کشف معانی و الگوها

می‌پردازد، در حالی که روش‌های کمی به دنبال یافتن علل و روابط آماری، دیدگاه نظری، اثبات‌گرایی و نیز سروکار داشتن با واقعیت‌ها، پیش‌بینی و علیت است. از این‌رو، پژوهش‌گران در روش کیفی در پی شناخت از طریق تحلیل استقرایی هستند و از مشاهده‌های خاص به سوی مشاهده‌های کلی حرکت می‌کنند. در حالی که به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، منطق تحلیل کمی، قیاسی و حرکت آن از کل به جزء یعنی از تئوری به تجربه است (عسگری، ۱۳۸۲: ۲۵).

علاوه بر موارد فوق‌الذکر نگاهی اجمالی به یافته‌های پژوهش‌گران و محققین مختلف نظیر منصوریان (جدول شماره ۱)، کوک و ریچارد (جدول شماره ۲) و بلوند (جدول شماره ۳) در خصوص تفاوت‌های پژوهش کیفی و کمی ما را در درک بهتر پژوهش کیفی یاری می‌رساند.

جدول شماره ۱- تفاوت‌های میان پژوهش کیفی و کمی (منصوریان، ۱۳۸۱: ۱۴۳)

پژوهش کیفی	پژوهش کمی
کشف و دریافت معانی از داده‌ها	پژوهش‌گر با آزمون فرضیه آغاز می‌کند
مفاهیم به شکل مضمون، موضوع تعمیم‌ها، طبقه‌بندی‌ها	مفاهیم به شکل متغیرهای متمایز است
شاخص به شیوه‌بایسته تعریف می‌شود. و بیشتر، هر پژوهش‌گری با هر پژوهش، شاخص مخصوص خود را به‌وجود می‌آورد.	شاخص‌ها پیش از گردآوری داده‌ها بطور منظم تعریف می‌شود
داده‌ها به شکل کلمات از مشاهدات، اسناد و نسخه‌های دست‌نویس به دست می‌آید	داده‌ها به شکل اعداد از سنجش‌های دقیق به دست می‌آید
نظریه می‌تواند علی یا غیرعلی باشد و معمولاً از نوع استقرایی است	نظریه‌ها به طور عمدی بوده و از نوع قیاسی است
شیوه‌های گردآوری داده، خاص بوده و معمولاً تکرارپذیر نیست	شیوه گردآوری داده‌ها استاندارد بوده و تکرار شدنی است
واکاوی داده با استخراج مفاهیم، تا تصمیم‌ها با استفاده از شواهد، سازمان‌دهی داده‌ها برای ارائه تصویر پیوسته و هماهنگ دنبال می‌شود	واکاوی داده‌ها به کمک آمارها، جداول، یا نمودارها انجام می‌شود

جدول شماره ۲- تفاوت‌ها دو روش کیفی و کمی از نظر کوک و ریچارد (عسگری، ۱۳۸۲: ۲۴)

پژوهش کیفی	پژوهش کمی
پدیدارشناسی	اثبات‌گرا
استقرایی	فرضیه‌ای / قیاسی
کل نگر	جزء نگر
دهنی / درون مدار	عینی / برون مدار
فرآیند مدار	بازده مدار
جهان‌بینی مردم‌شناختی	جهان‌بینی علوم طبیعی
فقدان نسبی کنترل	تلاش برای کنترل متغیرها
هدف / شناخت نظر افراد	هدف / یافتن حقایق و علت‌ها
واقعیت پویا	واقعیت ایستا
کشف مدار	تأیید مدار
اکتشافی	تاییدی

جدول شماره ۳- مقایسه دو روش کیفی و کمی از نظر بلولند (عسگری، ۱۳۸۲: ۲۵)

ویژگی	پژوهش کیفی	پژوهش کمی
موضوع / هدف	شناخت دلایل، انگیزه‌های زیربنایی برای تشکیل برای پژوهش‌های کمی بعدی به منظور کشف روندهای رایج موجود در افکار و عقاید	تعیین داده‌ها و تعمیم نتایج از نمونه به جامعه مورد علاقه اندازه‌گیری نظرها و عقاید گوناگون در گروه نمونه، گاهی اوقات پیگیری از طریق پژوهش‌های کیفی که به منظور کشف حقایق آتی بکار می‌رود
نمونه	معمولاً گروه نمونه کوچک و غیر معرف از نمونه پاسخ دهندگان به منظور ایجاد یک سهمیه معین	معمولاً گروه‌های بزرگ که معرف جامعه مورد علاقه هستند به گونه تصادفی انتخاب می‌شوند

فنون ساخت یافته یا شبه ساخت یافته مانند پوشش نامه، تست، مصاحبه‌های تلفنی	فنون ساخت نیافته یا شبه ساخت یافته مانند مصاحبه‌های عمیق فردی یا بحث‌های گروهی	گردآوری داده‌ها
تحلیل آماری داده‌ها معمولاً به شکل طبقه و جدول‌بندی است و یافته‌ها فراگیر و در اصل توصیفی است	بدون تحلیل آماری	تحلیل داده‌ها
استفاده از نتایج به منظور اجرا و دوره‌های نهایی	اکتشافی یا تحقیقاتی است، یافته‌ها فراگیر نیست و نمی‌تواند برای تعمیم جامعه مورد علاقه بکار رود و توسعه شناخت ابتدایی و پایه‌های اساسی به منظور تصمیم‌گیری‌های آتی	نتیجه

۶- ارزیابی پژوهش کیفی

با توجه به آنچه در خصوص پژوهش کیفی بیان گردید شایسته است متدولوژی پژوهش کیفی مورد یک ارزیابی کلی قرار گرفته و نقاط قوت و ضعف (انتقادهای وارده) این روش پژوهشی مورد توجه قرار گیرد.

۶-۱- نقاط قوت تحقیق کیفی

یک. مشاهده رفتار در وضعیت طبیعی: وجه ممیزه تحقیق کیفی از سایر روش‌ها، مطالعه رفتار اجتماعی در وضعیت طبیعی است. در این روش درک محقق از پدیده مورد پژوهش به این علت قابل اعتماد است که پدیده در دنیای واقعی - و نه در محیطی ساختگی - بررسی می‌شود. موقعیت به شکلی بسیار دقیق و طبیعی توسط محقق ایجاد می‌شود، به نحوی که مصاحبه و یادداشت‌هایی که هم‌زمان به آن تهیه می‌شوند به هیچ وجه مغایر با شرایط طبیعی جامعه نیستند. بزرگ‌ترین تفاوت بین تحقیق کیفی و سایر روش‌ها در آن است که مشاهده‌کننده با حضور مستقیم در

صحنه مشاهده تجربه‌های غنی‌تری را کسب می‌کند، و در نتیجه به فعالیت‌های غیرعلمی حساسیت بیشتری نشان می‌دهد. در این روش محقق مجبور است که در نظریه قبلی تجدیدنظر کند و خود را - با توجه به نتایج جدید - با رفتار مشاهده شده منطبق کند.

دو. عمق ادراک: دومین امتیاز تحقیق کیفی، توان این روش در جذب و دستیابی به نظرهای مشخص است - نظرهایی که در ارتباط با زندگی هستند و از آن ناشی می‌شوند. تحقیق کیفی محقق را مجبور می‌کند که به طور مستقیم در زندگی اشخاص مورد تحقیق وارد شود. کارهای جنبی تحقیق به محقق کمک می‌کنند تا مشاهده‌های خود را با ارزش‌های رایج در تحقیق بررسی کند.

سه. انعطاف‌پذیری: سومین امتیاز تحقیق کیفی، انعطاف‌پذیری آن است. در این روش نه تنها می‌توان به سؤال یا سؤال‌هایی از پیش تدوین شده پاسخ داد، بلکه محقق توانایی پاسخ‌گویی مطرح شده در زمان اجرای تحقیق را نیز دارد. به عبارت دیگر، او می‌تواند تحقیق خود را بر اساس موقعیت‌های جدیدی که پیش آمده است گسترش دهد. و از آن‌جا که با گروه‌ها و اجتماع‌های مختلف به زندگی می‌پردازد، قادر است تحقیق خود را بر پایه مشاهده‌های مستقیم هدایت کند. در این روش چنان‌چه، محقق انعطاف‌پذیر نباشد، اطلاعات عمده‌ای را از دست می‌دهد (دلاور، ۱۳۷۴: ۲۵۹).

۶-۲- انتقادهای وارده بر پژوهش کیفی

پژوهش کیفی با همه نقاط قوتی که دارد بدون محدودیت نیست در این‌جا چهار انتقاد عمومی را که برایمن شناخته است عنوان می‌کنیم (Bryman, 2001: 282).

یک. بیش از حد ذهنی: افرادی که تمایل به پژوهش کمی دارند، گاه پژوهش کیفی را بسیار احساسی و ذهنی می‌دانند. اما ذهنی بودن هدف پژوهش کیفی است. با توجه به ملاک‌های اعتبار و روایی (یا موثق بودن و مشروعیت) بر این مسئله چیره خواهید شد. دو. مشکلات در تجدید و تکرار: چون پژوهش‌گران کیفی خود ابزار اصلی پژوهش هستند، تکرارپذیری در یک مطالعه در عمل ناممکن است. اما به هر حال پژوهش‌گران کیفی علاقمند به تکرار آزمایش نیستند. تعهد آن‌ها بیشتر به درستی و

انسجام یافته‌های آن‌ها است. پیوند دقیق گام‌هایی که برداشته می‌شود و در فرآیند پژوهش به روشن ساختن کیفیت مطالعه انتقادهایی از این نوع کمک می‌کند. سه. مشکلات در تعمیم: فرض بر این است که مطالعات پژوهش کیفی معرف یک جامعه بزرگ باشد، با وجود این یک چالش عمومی آن است که این نوع مطالعات از لحاظ نتیجه‌گیری بسیار محدود کننده است. با فراهم آوردن توصیف‌های غنی از آن‌چه در یک زمینه خاص صادق است، می‌توان به روشن ساختن موضوع‌های مهم در یک مورد خاص یا در مورد گروهی خاص از افراد کمک کرد با وجود این، نتیجه‌گیری مبتنی بر تئوری را می‌توان ارائه داد. چهار. فقدان شفافیت: برای بیان می‌کند که پژوهش‌گران کیفی در روش‌های انتخاب نمونه‌ها، گردآوری داده‌ها، و تجزیه و تحلیل آن‌ها بی‌مبالا بوده‌اند. داده‌های پژوهش کیفی چگونه تجزیه و تحلیل و نتایج آن چگونه تفسیر می‌شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش کیفی اغلب به روش‌ها یا شیوه‌هایی گفته می‌شود که به منظور به دست آوردن داده‌های ذهنی به کار می‌رود. با آن‌که دانشمندان علوم اجتماعی و رفتاری اغلب درباره طبقه‌بندی پژوهش کیفی، واژه‌شناسی و توصیف آن با یکدیگر اختلاف نظرهای گسترده‌ای دارند، اما معتقدند که روش‌های اصلی این رویکرد پژوهش عبارت است از مشاهده (مستقیم یا مشارکتی) مصاحبه (روایتی یا عمیق) و روش‌های غیرمداخله‌ای. برون‌داد پژوهش‌های کیفی اطلاعات توصیفی است که می‌تواند به فهم بهتر احساسات، عواطف و افکار آزمودنی‌ها کمک کند. به بیان دیگر، این نوع پژوهش به دنبال شناخت و درک افراد است و با محدود ساختن مطالعه بر فرد یا جامعه در پی توجیه و تفسیر افکار و نگرش‌ها است. بر پایه پژوهش کیفی می‌توان مشخص کرد که: یک. افراد چگونه فکر می‌کنند. دو. درباره چه فکر می‌کنند. سه. چرا و چگونه به ارزیابی و تصمیم‌گیری می‌پردازند. چهار. چه چیزی آن‌ها را بر می‌انگیزد.

از سوی دیگر، پژوهش کیفی امکان می‌دهد تا نسبت به تجربه‌ها و ارزش‌های افراد شناخت پیدا کرده بنابراین به نظر می‌رسد رویکرد کیفی بیشتر مناسب مطالعه سازمان و فرآیندهای پیچیده مانند انتخاب، سازگاری، تصمیم‌گیری و مانند آن‌هاست. در مجموع پژوهش کیفی اساساً می‌تواند اشکال جدیدی از دانستن را در سه دوره، ترکیب و بوجود آورد: ۱- شناخت دیگران، ۲- توسعه شناخت پدیده‌ها و ۳- تولید شناخت عمیق یا انعکاسی. کلام آخر این که پژوهش کیفی به سبب آن که در بردارنده مفاهیم است، بسیاری از مردم به ویژه محققین مبتدی فکر می‌کنند که این روش آسانتر از روش کمی است بخصوص این که روش کیفی نیاز به یادگیری فرمول ریاضی و آماری پیچیده ندارد. اما در واقع این صحیح نیست. تحقیق‌های کیفی می‌تواند واقعاً دشوار باشد زیرا مستلزم شرح موضوع‌های پیچیده‌ای است. روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در روش کیفی طولانی‌تر است و محققین باید مهارت‌های تحلیلی خود را در توسعه و در بطن بررسی خود به کار گیرند.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Paradigm.
- 2- Gall, Borg & Gall.
- 3- *Denzin*, Lincoln
- 4- Traditional Period
- 5- Modernist Phase
- 6- Reliability
- 7- Validity
- 8- Blurred Genres
- 9- Geertz
- 10- Epistemology
- 11- Constructionist
- 12- Ontology
- 13- Toulmin.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- پاول، رونالد. ار (۱۳۷۹)، روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران، ترجمه نجلا حریری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

- ۲- دلاور، علی (۱۳۷۴)، **مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**، تهران: انتشارات رشد.
- ۳- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۱)، نظریه و روش در تحقیقات کیفی، **فصلنامه علوم انسانی**، شماره ۱۷۰، دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده علوم اجتماعی.
- ۴- رهادوست، بهار (۱۳۸۳)، روش‌شناسی پژوهش کیفی، **دو فصلنامه زیبا شناخت**، شماره ۱۱.
- ۵- سنجابی، علیرضا (۱۳۸۴)، **روش‌شناسی در علم سیاست و روابط بین‌الملل**، تهران: نشر قومس.
- ۶- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۴)، **سیاست‌سنجی: روش کمی در سیاست و روابط بین‌الملل**، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- ۷- مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۸۴)، **روش و نظریه در علوم سیاسی**، ترجمه امیر محمد حاج یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۸- منصوریان، محمد کریم (۱۳۸۱)، **روش‌های پژوهش کیفی و کمی در علوم اجتماعی**، شیراز: نوید شیراز.
- ۹- هومن، حیدر علی (۱۳۸۵)، **راهنمای عملی پژوهش کیفی**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- 10- Bryman, A.(2001), **Quantity and Quality in Social Research**, London: Unwn Hyman.
- 11- Denzin N.K & Lincoln Y. S.(1994), **Handbook of Qualitative Research**. Thousand Oaks: Sage.
- 12- Marshall, C & Rossman, G(1999), **Designing Qualitative Research**, Thousand Oaks: Sage.
- 13- Meleod, J.(2002), **Qualitative Research in Counseling and Psychotherapy**, CA: Thousand Oaks. New Delhi. Sage.
- 14- Toulmin, S.(1990), **Cosmopolis: The Hidden Agenda of Modernity**. New York: Free Press.